



چگونه میتوانم شغل خوبی بدست بیاورم؟

چگونه میتوانم شغل خوبی بدست بیاورم؟ چگونه میتوانم در جای خوبی استخدام شوم؟
چگونه میتوانم...؟
اینها سؤالاتی است که کارجویان همیشه از خود می پرسند زیرا همه ما بیلند کاری خوب با درآمد مناسب داشته باشیم. ما در این سلسله مقالات پاسخ این سؤالات را خواهیم داد و روش های عملی پیدا کردن شغل دلخواهتان را به شما خواهیم آموخت. اما شما هم باید حوصله کنید و با صبر با ما همراه شوید. مطمئن هستیم شما می توانید با بکارگیری صحیح این روش ها و با داشتن پشتکار به هدف خود که پیدا کردن يك کار خوب است برسید. پس بیاید شروع کنیم.

قدم اول در پیدا کردن شغل خوب این است که برای خودتان مشخص کنید منظورتان از شغل خوب چیست؟ راستی آیا تابحال فکر کرده اید که تعریف يك شغل خوب چیست؟ چه عاملی يك شغل را تبدیل به يك کار خوب میکند؟ حقوق بالا؟ محیط خوب و دوستانه؟ پرستیژ و عنوان شغلی؟ آیا حاضرید با حقوق بالا درجایی کار کنید که کسی به شما احترام نمی گذارد؟ یا حاضرید يك شغل اسم و رسم دار در يك شرکت شیک و باکلاس اما با حقوق کم داشته باشید؟ پس اولین قدم شناخت خودتان و انتظاراتتان است. البته ممکن است این مسئله در ابتدا بنظر مهم نیاید اما همانطور که بعداً بیشتر متوجه خواهید شد این مسئله بسیار مهم است.

پس قبل از هرکاری درجایی ساکت و آرام بنشینید و کمی با خودتان خلوت کنید. يك قلم و کاغذ بردارید و صادقانه خصوصیاتتان را بنویسید: مثلاً آیا يك فرد منظم هستید؟ آیا میتوانید طبق برنامه و دستورات کارفرما کار کنید یا مایلید آزادی عمل بیشتری از يك کارمند / کارگر داشته باشید؟ آیا میتوانید خود را با شرایط مختلف تطبیق دهید؟ آیا خوش قول هستید؟ آیا میشود روی شما حساب کرد؟ معاشرتی هستید یا خجالتی؟ آیا میتوانید به راحتی با افراد غریبه ارتباط برقرار کنید؟ یا روابط عمومی تان ضعیف است؟ طرز بیانتان چگونه است؟ آیا میتوانید خوب مذاکره کنید؟ آیا میتوانید طرفتان را متقاعد کنید؟ آیا میتوانید با جمع کار کنید (کار گروهی یا تیمی) یا بیشتر به تنهایی کار می کنید (تکرو)؟ چه مهارتهایی دارید؟ چه کارهایی را بهتر انجام میدهید؟ در چه کارهایی موفق تر هستید؟ کارهای فکری و دفتری یا کارهای فنی و کارگاهی؟ واقع بین هستید یا رویایی؟ ابتکار و خلاقیت دارید یا باید همیشه به شما بگویند چکار کنید؟ آیا تحت شرایط متشنج می توانید آرامش خود را حفظ کنید یا زود از کوره در می روید؟ آیا می توانید مطیع باشید؟ آیا می توانید تحت سرپرستی دیگران کار کنید یا دوست ندارید کسی به شما امر و نهی کند؟

با پرسیدن اینگونه سؤالات می توانید بهتر خودتان را بشناسید و در نتیجه بهتر تشخیص دهید چه شغلی مناسب شماست. مراقب باشید در دام علاقه نیفتید. بسیاری از افراد فکر می

کنند اگر به کاری علاقه داشته باشند در آن موفق می شوند. البته علاقه به کار از عوامل اصلی موفق شدن است اما کافی نیست. بجز علاقه باید توانایی انجام کار را هم داشته باشید. متأسفانه بعضی افراد بخاطر فشار خانواده یا جاذبه ظاهری یک شغل خاص همیشه در تلاش بدست آوردن آن شغل هستند بدون اینکه توجه داشته باشند که آیا توانایی انجام آن کار را دارند یا نه؟

از دیگر فواید خودشناسی این است که میتواند به شما کمک کند نقص ها و عیوب خودتان را بشناسید مثلاً ممکن است متوجه شوید بعضی از مهارتهای لازم برای شغل مورد نظرتان را ندارید پس باید آموزش ببینید یا حاضر شوید مدتی با حقوق کمتر برای کسب تجربه در جایی مشغول بکار شوید. یکی از بهترین کمک ها در مورد خودشناسی سؤال کردن از دوستان و اعضای خانواده است. از نظر آنها شما چه نقاط قوت و چه نقاط ضعفی دارید؟ برای چه کارهایی مناسب هستید و به درد چه کارهایی نمی خورید؟

پس از آنکه با مشورت با دیگران و تعمق کردن به نقاط قوت و ضعف خود پی بردید و کمی بیشتر خودتان را شناختید سعی کنید شغلی را انتخاب کنید که بتوانید آن را به بهترین نحو انجام دهید و در آن پیشرفت کنید. مهم است شغلی برای خود در نظر بگیرید که امکان پیشرفت را بشما میدهد. ما بده

بعنوان مثال اگر شما فردی معاشرتی هستید که طرز بیان خوبی دارید و میتوانید خوب مذاکره کنید شاید بخواهید بعنوان کارمند فروش در یک شرکت مشغول بکار شوید و در آینده به مقام مدیر فروش یا بازاریابی نائل شوید. اما اگر کسی هستید که کارهای فنی را بهتر انجام میدهید و ابتکار و خلاقیت دارید شاید بخواهید در بخش فنی یک شرکت یا کارگاه استخدام شوید.

بهرحال نتیجه این خودشناسی باید این باشد که شما بدانید دنبال چه شغلی می گردید و خواهان چه کاری هستید. کارفرماها روی کسی که فقط دنبال کار می گردد و هرکاری را که به او پیشنهاد دهند می پذیرد زیاد حساب نمیکنند. کارفرماها کسی را می خواهند که می داند چه می خواهد و حاضر است برای رسیدن به آن سخت کار کند، معایب و نقایص خود را برطرف کند، مهارتهای جدید را بیاموزد و تمایل به پیشرفت داشته باشد. به این صورت هم کارجو نفع می برد (چون شغل دلخواهش را پیدا میکند) و هم کارفرما نفع می برد (چون یک کارمند یا کارگر مصمم و باانگیزه دارد که میتواند برای مجموعه او مفید باشد).

www.aryajob.com

نویسنده: رامثیل شهباز